

اورشلیم جدید نازله من عند الله

¹ ثُمَّ رَأَيْتُ سَمَاءَ جَدِيدَةً وَأَرْضًا جَدِيدَةً لِأَنَّ السَّمَاءَ الْأُولَى
وَالْأَرْضَ الْأُولَى مَضَتَا وَبَلَجْتُ لَا يُوجَدُ فِي مَا بَعْدُ. ² وَأَنَا،
يُوحَنَّا، رَأَيْتُ الْمَدِينَةَ الْمُقَدَّسَةَ، أَوْرُشَلِيمَ الْجَدِيدَةَ، نَازِلَةً
مِنَ السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُهَيَّأَةً كَعُرُوسٍ مُزَيَّنَةٍ
لِرَجُلِهَا. ³ وَسَمِعْتُ صَوْتًا عَظِيمًا مِنَ السَّمَاءِ قَائِلًا: هُوَذَا
مَسْكُنُ اللَّهِ مَعَ النَّاسِ، وَهُوَ سَيَسْكُنُ مَعَهُمْ وَهُمْ
يَكُونُونَ لَهُ شَعْبًا وَاللَّهُ تَفْسُهُ يَكُونُ مَعَهُمْ إِلَهًا
لَهُمْ. ⁴ وَسَيَمَسُخُ اللَّهُ كُلَّ دَمْعَةٍ مِنْ عَيْنِهِمْ، وَالْمَوْتُ لَا
يَكُونُ فِي مَا بَعْدُ، وَلَا يَكُونُ حُزْنٌ وَلَا صُرَاخٌ وَلَا وَجَعٌ فِي
مَا بَعْدُ، لِأَنَّ الْأُمُورَ الْأُولَى قَدْ مَضَتْ. ⁵ وَقَالَ الْجَالِسُ
عَلَى الْعَرْشِ: هَا أَنَا أَصْنَعُ كُلَّ شَيْءٍ جَدِيدًا. وَقَالَ لِي:
اكْتُبْ، فَإِنَّ هَذِهِ الْأَقْوَالَ صَادِقَةٌ وَأَمِينَةٌ. ⁶ ثُمَّ قَالَ لِي:
بَلَى، أَنَا هُوَ الْأَلْفُ وَالْيَئَاءُ، الْبِدَايَةُ وَالنِّهَايَةُ، أَنَا أُعْطِي
الْعَطَشَانَ مِنْ يَنْبُوعِ مَاءِ الْحَيَاةِ مَجَّانًا. ⁷ مَنْ يَغْلِبْ يَرِثْ
كُلَّ شَيْءٍ وَأَكُونُ لَهُ إِلَهًا وَهُوَ يَكُونُ لِي ابْنًا. ⁸ وَأَمَّا
الْخَائِفُونَ وَغَيْرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالرَّجِسُونَ وَالْقَاتِلُونَ وَالزَّهَّادُ
وَالسَّحَرَةُ وَغَبْدَةُ الْأَوْتَانِ وَجَمِيعُ الْكَذَّابَةِ فَتَصِيْبُهُمْ فِي
الْبُخَيْرَةِ الْمُتَّقِدَةِ بِنَارٍ وَكَبِيرَةٍ، الَّذِي هُوَ الْمَوْتُ الثَّانِي.

⁹ ثُمَّ جَاءَ إِلَيَّ وَاجِدٌ مِنَ السَّبْعَةِ الْمَلَائِكَةِ، الَّذِينَ مَعَهُمُ
السَّبْعَةُ الْجَامَاتُ الْمَمْلُوءَةُ مِنَ السَّبْعِ الصَّرَبَاتِ الْخَيْرَةِ،
وَتَكَلَّمَ مَعِيَ قَائِلًا: هَلَمْ، فَأَرِيكَ الْعُرُوسَ امْرَأَةً
الْخُرُوفِ. ¹⁰ وَذَهَبَ بِي بِالرُّوحِ إِلَى جَبَلٍ عَظِيمٍ عَالٍ
وَأَرَانِي الْمَدِينَةَ الْعَظِيمَةَ، أَوْرُشَلِيمَ الْمُقَدَّسَةَ، نَازِلَةً مِنَ
السَّمَاءِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، ¹¹ لَهَا مَجْدٌ اللَّهِ وَلَمَعَانُهَا شَبُهَ أَكْزَمِ
حَجَرٍ، كَحَجَرٍ يَسْبِي بِلُورِي. ¹² وَكَانَ لَهَا سُورٌ عَظِيمٌ وَعَالٍ،
وَكَانَ لَهَا اثْنَا عَشَرَ بَابًا وَعَلَى الْأَبْوَابِ اثْنَا عَشَرَ مَلَكَ،
وَأَسْمَاءُ مَكْتُوبَةٌ هِيَ أَسْمَاءُ أَسْبَاطِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْإِثْنِي
عَشَرَ. ¹³ مِنَ الشَّرْقِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ وَمِنَ الشَّمَالِ ثَلَاثَةُ
أَبْوَابٍ وَمِنَ الْجَنُوبِ ثَلَاثَةُ أَبْوَابٍ وَمِنَ الْغَرْبِ ثَلَاثَةُ
أَبْوَابٍ. ¹⁴ وَسُورُ الْمَدِينَةِ كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ أَسَاسًا وَعَلَيْهَا
أَسْمَاءُ رُسُلِ الْخُرُوفِ الْإِثْنِي عَشَرَ. ¹⁵ وَالَّذِي كَانَ يَتَكَلَّمُ
مَعِيَ كَانَ مَعَهُ قَصَبَةٌ مِنْ ذَهَبٍ لِكَيْ يَقِيسَ الْمَدِينَةَ
وَأَبْوَابَهَا وَسُورَهَا. ¹⁶ وَالْمَدِينَةُ كَانَتْ مَوْضُوعَةً مُرَبَّعَةً
طُولُهَا بِقَدْرِ الْعَرْضِ، فَقَاسَ الْمَدِينَةَ بِالْقَصَبَةِ مَسَافَةً
اِثْنِي عَشَرَ أَلْفَ عُلُوَّةٍ، الطُّوْلُ وَالْعَرْضُ وَالِإِرتِفَاعُ
مُتَسَاوِيَةٌ. ¹⁷ وَقَاسَ سُورَهَا: مِئَةً وَأَرْبَعًا وَأَرْبَعِينَ ذِرَاعًا،
ذِرَاعُ إِنْسَانٍ أَيْ الْمَلَكَ. ¹⁸ وَكَانَ يَتَاءُ سُورَهَا مِنْ يَسْبِي

آسمان و زمین جدید

¹ و دیدم آسمانی جدید و زمینی جدید، چون که آسمان
اول و زمین اول درگذشت و دریا دیگر نمی‌باشد. ² و
شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از
آسمان نازل می‌شود، حاضر شده چون عروسی که
برای شوهر خود آراسته است. ³ و آوازی بلند از آسمان
شنیدم که می‌گفت: اینک، خیمه خدا با آدمیان است و
با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او
خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد
بود. ⁴ و خدا هر اشکی را از چشمان ایشان پاک خواهد
کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد
دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول
درگذشت. ⁵ و آن تخت نشین گفت: الحال همه چیز را نو
می‌سازم. و گفت: بنویس، زیرا که این کلام امین و
راست است. ⁶ باز مرا گفت: تمام شد! من الف و یا و
ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه
آب حیات، مفت خواهم داد. ⁷ و هر که غالب آید، وارث
همه چیز خواهد شد، و او را خدا خواهم بود و او مرا
پسر خواهد بود. ⁸ لکن ترسندگان و بی‌ایمانان و خیثان و
قاتلان و زانیان و جادوگران و بت‌پرستان و جمیع
دروغ‌گویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته شده به
آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.

اورشلیم جدید از آسمان

⁹ و یکی از آن هفت فرشته که هفت پیاله پر از هفت
بلاى آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، گفت:
بیا تا عروس منکوحه بَرّه را به تو نشان دهم. ¹⁰ آنگاه
مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدس
اورشلیم را به من نمود که از آسمان از جانب خدا
نازل می‌شود، ¹¹ و جلال خدا را دارد و نورش مانند
جواهر گرانبها، چون یشم بلورین. ¹² و دیواری بزرگ و
بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازه‌ها
دوازده فرشته و اسمها بر ایشان مرقوم است که
نامهای دوازده سبط بنی‌اسرائیل باشد. ¹³ از مشرق سه
دروازه و از شمال سه دروازه و از جنوب سه دروازه
و از مغرب سه دروازه. ¹⁴ و دیوار شهر دوازده اساس
دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بَرّه است. ¹⁵ و
آن کس که با من تکلم می‌کرد، نی طلا داشت تا شهر
و دروازه‌هایش و دیوارش را ببیند. ¹⁶ و شهر مربع
است که طول و عرضش مساوی است و شهر را به

وَالْمَدِينَةُ ذَهَبٌ تَقِيٌّ شِبْهُ زُجَاجٍ تَقِيٌّ.¹⁹ وَأَسَاسَاتُ سُورِ
الْمَدِينَةِ مُرَبَّعَةٌ بِكُلِّ حَجَرٍ كَرِيمٍ: الْأَسَاسُ الْأَوَّلُ يَسْبُ،
الثَّانِي يَاقُوتٌ أَرَزَقُ، الثَّلَاثُ عَقِيْقُ أَيْصُنْ، الرَّابِعُ زُمْرُودُ
دُبَابِيٌّ،²⁰ الْخَامِسُ جَزَعُ عَقِيْقِيٍّ، السَّادِسُ عَقِيْقُ أَحْمَرُ،
السَّابِعُ زَبَرْجَدُ، الثَّامِنُ زُمْرُودُ سِلْقِيٍّ،²¹ الثَّاسِعُ يَاقُوتُ
أَصْفَرُ، الْعَاشِرُ عَقِيْقُ أَحْضَرُ، الْحَادِي عَشَرَ أَسْمَانْجُونِيٌّ،
الثَّانِي عَشَرَ جَمَشْتُ.²² وَالْإِثْنَا عَشَرَ بَاباً إِثْنَا عَشَرَ
لُؤْلُؤَةً، كُلُّ وَاحِدٍ مِنَ الْأَبْوَابِ كَانَ مِنْ لُؤْلُؤَةٍ وَاحِدَةٍ،
وَسُوقُ الْمَدِينَةِ ذَهَبٌ تَقِيٌّ كَزُجَاجٍ شَفَّافٍ.²³ وَلَمْ أَرْ فِيهَا
هَيْكَلًا لِأَنَّ الرَّبَّ اللَّهَ الْقَادِرَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ هُوَ وَالْحُرُوفُ
هَيْكَلُهَا.²⁴ وَالْمَدِينَةُ لَا تَحْتَاجُ إِلَى الشَّمْسِ وَلَا إِلَى الْقَمَرِ
لِيُضِيئَا فِيهَا لِأَنَّ مَجْدَ اللَّهِ قَدْ أَتَاهَا وَالْحُرُوفُ
سِرَاجُهَا.²⁵ وَتَمَشِّي شُعُوبُ الْمُخَلَّصِينَ يَنْوَرُهَا وَمُلُوكُ
الْأَرْضِ يَجِيئُونَ بِمَجْدِهِمْ وَكَرَامَتِهِمْ إِلَيْهَا.²⁶ وَيَجِيئُونَ بِمَجْدِ الْأَمَمِ
تُعْلَقُ تَهَاراً لِأَنَّ لَيْلًا لَا يَكُونُ هُنَاكَ،²⁷ وَكَرَامَتِهِمْ إِلَيْهَا. وَلَنْ يَدْخُلَهَا شَيْءٌ دَنَسٌ وَلَا مَا يَصْنَعُ
رَجِساً وَكَذِباً إِلَّا الْمَكْتُوبِينَ فِي سِفْرِ حَيَاةِ الْحُرُوفِ.

آن نی پیموده، دوازده هزار تیر پرتاب یافت و طول و
عرض وبلندیش برابر است.¹⁷ و دیوارش را صد و چهل
و چهار ذراع پیموده، موافق ذراع انسان، یعنی
فرشته.¹⁸ و بنای دیوار آن از یشم بود و شهر از زر
خالص چون شیشه مصفی بود.¹⁹ و بنیاد دیوار شهر به
هر نوع جواهر گرانبها مزین بود که بنیاد اول، یشمو
دوم، یاقوت کبود و سوم، عقیق سفید و چهارم،
زمرد²⁰ و پنجم، جزع عقیقی و ششم، عقیق و هفتم،
زبرجد و هشتم، زمرد سلقی و نهم، طویاز و دهم،
عقیق اخضر و یازدهم، آسمانجونی و دوازدهم، یاقوت
بود.²¹ و دوازده دروازه، دوازده مروارید بود، هر دروازه
از یک مروارید و شارع عام شهر، از زر خالص چون
شیشه شفاف.²² و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا خداوند
خدای قادر مطلق و برّه قدس آن است.²³ و شهر
احتیاج ندارد که آفتاب یا ماه آن را روشنایی دهد زیرا
که جلال خدا آن را منور می سازد و چراغش برّه
است.²⁴ و امتها در نورش سالک خواهند بود و
پادشاهان جهان، جلال و اکرام خود را به آن خواهند
درآورد.²⁵ و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا
که شب در آنجا نخواهد بود.²⁶ و جلال و عزت امتها را
به آن داخل خواهند ساخت.²⁷ و چیزی ناپاک یا کسی که
مرتکب عمل زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن
نخواهد شد، مگر آنانی که در دفتر حیات برّه مکتوبند.